

بررسی تطبیقی آراء تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی و دکتر یوسف قرضاوی

دادمحمد امیری*

چکیده

مطالعات تطبیقی در حوزه تفسیر و علوم قرآن باعث ایجاد بصیرت می‌شود و قرآن پژوهان از نقاط قوت و ضعف دو مذهب یا مکتب و روش تفسیری دو مفسر آگاه می‌شوند. شناخت نقاط اشتراک و افتراق دو طرف مطالعه تطبیقی در مبانی و مفاهیم تفسیری و مرزبندی دقیق از اختلاف‌های مبانی و بررسی هریک در جای خود، زمینه‌ای برای تقریب مذاهب اسلامی در حوزه عقاید و فقه و اتحاد بیشتر اسلامی است. نگارنده در این نوشتار پس از بررسی مفاهیم اولیه، آراء تفسیری آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و دکتر یوسف قرضاوی را تبیین نموده سپس به بررسی نقاط اشتراک و افتراق دو مفسر پرداخته است.

واژگان کلیدی: تطبیق، مبانی تفسیری، روش تفسیری، آیت‌الله مکارم شیرازی،

یوسف قرضاوی.

*دانش‌پژوه دکترای تفسیر تطبیقی، جامعه المصطفی ص العالمیه - مشهد مقدس.

یکی از روش‌های مهم قرآن کریم برای اعطای بصیرت و ایجاد تحول بینشی در مخاطبان، جهت دادن آن‌ها به سمت مقایسه است؛ چنانکه در آیات متعددی می‌خوانیم:

﴿هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ لَا تَتَفَكَّرُونَ﴾ (الأنعام: ۵۰)؛ ﴿مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَمْ لَا تَذَكَّرُونَ﴾ (هود: ۲۴)؛ ﴿هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ...﴾ (رعد: ۱۶)

استفهام موجود در این آیات و بیان نابرابری و تفاوت‌ها، نمونه‌هایی از شیوه اعطای بصیرت و ایجاد تحول بینشی، است؛ همچنین می‌توان از آیه ﴿...فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...﴾ (زمر: ۱۷ و ۱۸) تشویق به مطالعه تطبیقی را استفاده نمود. نگاه تطبیقی به تفسیر و مباحث علوم قرآنی باعث می‌شود که پژوهشگر، با شناخت نقاط اشتراک و افتراق دو طرف مطالعه تطبیقی، به کشف اضلاع ناپیدای آیات و موضوعات قرآنی از طریق تأمل در اختلاف‌ها و شباهت‌های آرای تفسیری بپردازد.

در گذشته نیز مفسران و دانشمندان علوم قرآنی کم‌وبیش مقایسه‌هایی میان آرای تفسیری انجام داده‌اند. این مقایسه‌ها در تفاسیر با گرایش کلامی و فقهی برجسته‌تر بوده است. تفسیر طبری از کهن‌ترین این آثار است. در دوره معاصر و پس از گسترش مطالعات تطبیقی در حوزه ادبیات و سایر رشته‌ها و شاخه‌های علمی، در حوزه تفسیر قرآن نیز مطالعات تطبیقی با روش‌های جدید رو به گسترش نهاد. مطالعات تطبیقی در این آثار عمدتاً بر محور موضوعی قرآنی یا آیه‌ای بحث‌برانگیز انجام گرفته است. از جمله این مطالعات در حوزه تطبیقی میان قرآن و عهدین، «کتاب القرآن الکریم والتورات والانجیل والعلم» اثر نویسنده مسیحی، موریس بوکای و کتاب «محمد فی التورات والانجیل والقرآن» اثر ابراهیم خلیل، «نگرشی تطبیقی به زن در آینه قرآن و آیین‌های زرتشت، یهود و مسیح» اثر الهه وکیلی و «بررسی مسائل

وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین» از اعظم پرچم است. (دایرةالمعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲ ج ۸: ۲۲۴)

در همین راستا سعی نموده‌ایم که در این پژوهش آراء تفسیری آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و دکتر یوسف قرضاوی در حد توان، به صورت تطبیقی بررسی نماییم. از آنجاکه بررسی تمام آراء تفسیری این دو شخصیت نیاز به تحقیق بیشتری دارد و در یک مقاله نمی‌گنجد؛ در این پژوهش تنها بخشی از آراء تفسیری آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و دکتر یوسف قرضاوی بررسی نموده‌ایم.

۱. مفهوم شناسی

الف) بررسی

واژه‌ی بررسی به معنای رسیدگی، تحقیق (معین، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۰۲)، بازرسی، تفتیش، فحص، پرس‌وجو، امعان نظر در نوشته‌ای، غور و اظهار نظر در محتوای کتابی یا مقاله‌ای است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۵۶۶)

ب) تطبیق

برخی از قرآن پژوهان معتقدند که معنای تطبیق در زبان عربی و فارسی با هم تفاوت دارد. این تفاوت باعث شده عنوان تفسیر تطبیقی نیز در زبان فارسی معنایی متفاوت از معنای تفسیر تطبیقی در زبان عربی داشته باشد. (دایرةالمعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، ج ۸: ۲۲۰) تطبیق در زبان عربی از ماده «ط-ب-ق» به معنای نهادن شیء گسترده‌ای بر چیزی مانند خودش است، به طوری که آن را کاملاً بپوشاند؛ چنانکه ابن فارس می‌نویسد:

الطاء و الباء و القاف أصلٌ صحيحٌ واحدٌ و هو يدلُّ على وضعِ شيءٍ مبسوطٍ على مثله حتى يُعطيَه. من ذلك الطَّبَق. تقولُ أطبقتُ الشيءَ على الشيءِ... و من هذا قولهم: أطبقَ الناسُ على كذا، كأنَّ أقوالهم تساوت حتى لو صيرَ أحدهما طبقاً للآخر لصلح. (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۴۳۹)



بنابراین، تطبیق در زبان عربی به معنای عملی کردن و منطبق ساختن است و تطبیقی یعنی کاربردی، عملی و اجرایی، طبق القانون یعنی قانون را پیاده کرد. (آذر نوش آذرتان، ۱۳۸۲: ۳۹۲)

ج) تفسیر

لغت پژوهان معانی «بیان چیزی و توضیح آن»، (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴: ۵۰۴) «پرده‌برداری از لفظ مشکل»، (ازهری، بی‌تا، ج ۱۲: ۲۸۳) «بیان»، (جوهری، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۷۸۱) «اظهار معنای معقول»، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶) «شرح همراه توضیح»، (مصطفوی، ۱۴۳۰ ق، ج ۹: ۸۶) را برای واژه تفسیر ذکر کرده‌اند؛ اما در اصطلاح، قرآن پژوهان و دانشمندان تفسیر و علوم قرآن تعریف‌های متعددی از «تفسیر» ارائه نموده‌اند. آنچه را که ما به‌عنوان تعریف اصطلاحی تفسیر در این مقاله انتخاب کردیم و آن را با این مباحث هماهنگ دیدیم، تعریفی است که دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی ارائه نموده‌اند. ایشان بعد از ذکر معنای لغوی تفسیر و تعریف‌های اصطلاحی صاحب‌نظران، در یک جمع‌بندی می‌نویسد:

تفسیر، کشف و پرده‌برداری از ابهامات کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آن‌ها است؛ به‌عبارت‌دیگر، مقصود از تفسیر، تبیین معنای استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره، با استمداد از منابع و قرائن معتبر است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۲۰)

د) تفسیر تطبیقی

مراد از تفسیر تطبیقی در زبان و فرهنگ عربی، کاربردی کردن تعالیم قرآن و تطبیق دستورات کلی آن در زندگی و منطبق ساختن آن‌ها بر مصادیق عینی است؛ (دایرةالمعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، ج ۸: ۲۲۱) اما مراد از تفسیر تطبیقی در زبان و فرهنگ فارسی، مطالعه‌ای مقایسه‌ای است. این مقایسه می‌تواند در حوزه‌هایی متنوع از تفسیر آیات قرآن و نیز میان تفاسیر مختلف قرآن، همچنین بین آرای مفسران یا میان دو مکتب تفسیری یا دو روش تفسیری انجام گیرد. (دایرةالمعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، ج ۸: ۲۲۲) در زبان عربی به این نوع

تفسیر، تفسیر مقارن یا مقارنه‌ای و یا تفسیر موازن یا موازنه‌ای گفته می‌شود. (ایازی، ۱۳۷۳: ۵۱)

۵) آراء تفسیری

آراء جمع رأی است. واژه رأی به معنای باور و اعتقاد نفسانی درباره دو امر نقیض که قبول یکی از آن‌ها در ظن و گمان غلبه دارد، است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷۵) می‌توان گفت که واژه «رأی» به معنای عقیده، دیدگاه و سلیقه شخصی است. (معین، ۱۳۸۸، ج ۳: ۲۲) بعد از مشخص شدن معنای «تفسیر» و «رأی»، منظور ما از آراء تفسیری در این پژوهش اندیشه، باور و اعتقاد مفسر در تفسیر قرآن است؛ به عبارت دیگر منظور از آراء تفسیری همان مبانی‌ای است که مفسر بر اساس آن به کشف و پرده‌برداری از ابهامات کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آن‌ها می‌پردازد.

۲. دیدگاه‌های تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی

الف) شخصیت شناسی آیت‌الله مکارم شیرازی

حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی در شهر شیراز دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در همان‌جا به پایان رساند و در حدود ۱۴ سالگی دروس دینی را در مدرسه «آقا بابا خان شیراز» آغاز کرد. در سن ۱۸ سالگی حاشیه‌ای بر کفایة الاصول آخوند خراسانی نوشت. در همان سال وارد حوزه علمیه قم شد و در مدت ۵ سال دروس حوزوی را نزد اساتیدی همچون آیت‌الله سید حسین بروجردی گذراند. معظم له در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی وارد حوزه علمیه نجف اشرف گردید و در آنجا در دروس اساتید عالی‌مقام و بزرگی همچون آیات عظام آقای حکیم و آقای خوئی و آقای عبدالهادی شیرازی و اساتید برجسته دیگر - قدس الله اسرارهم - شرکت جستند. معظم له در ۲۴ سالگی به اخذ اجازه اجتهاد از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شدند. در ماه شعبان ۱۳۳۰ هـ ش به ایران بازگشتند و بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و

سپس خارج اصول و فقه پرداختند و قریب ۵۷ سال است که حوزه گرم درس خارج ایشان مورد استقبال طلاب است. ایشان بسیاری از کتب مهم فقهی را پس از تدریس به رشته تحریر درآورده‌اند. (<http://makarem.ir>)

آیت‌الله مکارم شیرازی از معدود مراجعی است که افزون بر فقه، در حوزه قرآن نیز متخصص است. تفسیر نمونه، امروز یکی از رایج‌ترین و مقبول‌ترین تفاسیر شناخته شده در مجامع مذهبی و علمی است که با ابتکار و اشراف معظم‌له و با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان حوزه علمیه قم، به زبان فارسی تألیف و در ۲۷ جلد وزیری ارائه شده است. از دیگر آثار قرآنی ایشان «پیام قرآن»، «اخلاق در قرآن»، «مثال‌های زیبای قرآن»، «آیات ولایت در قرآن»، «تفسیر بر رأی و هرج و مرج ادبی» است. (<http://makarem.ir>)

ب) آراء تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی

۱. رویکرد اجتماعی در تفسیر

یکی از شاخصه‌های مهم آیت‌الله مکارم شیرازی در آثار قرآنی‌اش، رویکرد اجتماعی در تفسیر قرآن است. این رویکرد با حرکت اجتماعی سید جمال‌الدین اسدآبادی در مصر شکل گرفت و باعث پیدایش گرایش تفسیر اجتماعی گردید که در آن، توجه مفسران بیشتر به بعد اجتماعی قرآن کریم است. این گرایش جدید تفسیری بر آن است تا آموزه‌های اجتماعی قرآن را در متن زندگی مردم قرار دهد و ویژگی مهم آن، ایجاد تحول در تفسیر قرآن از فردگرایی به جمع‌اندیشی و تحلیل سرنوشت کلی جامعه مسلمانان است. (مؤدب و روحانی زاده، ۱۳۸۷، ش ۱۲: ص ۵۷)

توجه و اهتمام سید جمال‌الدین اسدآبادی به بعد اجتماعی قرآن کریم، نگاه مفسران را تغییر داد؛ به طوری که شاگردان او مانند محمد عبده این حرکت روشنگرانه سید جمال را در گرایش تفسیر اجتماعی متبلور ساخت که نتیجه آن شکل‌گیری تفسیرهایی همچون «المنار» است؛ همچنین افراد دیگری مانند شیخ احمد مصطفی مراغی در «تفسیر مراغی»، سید قطب در «تفسیر فی ظلال القرآن»، در سوره جمال‌الدین قاسمی تفسیر «تفسیر القاسمی المسمی

محاسن التأویل»، در لبنان محمدجواد مغنیه «تفسیرالکاشف» و علامه سید محمدحسین فضل‌الله «تفسیر من وحی القرآن» در ایران علامه طباطبائی رحمته الله علیه «تفسیر المیزان» و آیت‌الله طالقانی رحمته الله علیه «تفسیر پرتوی از قرآن» آیت‌الله مکارم شیرازی «تفسیر نمونه» این راه را ادامه دادند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۴۷ و ۳۴۸)

۱. مفسرانی که به این گرایش تفسیری روی آورده‌اند، به عناصر زیر توجه بیشتری کرده‌اند:
 ۱. به آیاتی از قرآن کریم که بیانگر مسائل اجتماعی و آموزه‌های تربیتی و ارشادی است، توجه ویژه‌ای شده نموده‌اند. مفسران در این گرایش، با اسلوبی زیبا، سنن اجتماعی آیات قرآن را بر نیازهای عصر تطبیق می‌کنند و با بیانی در خور فهم همگان ارائه می‌نمایند.
 ۲. به مشکلات مسلمانان در عصر خویش توجه بیشتری شده و مفسر آیات قرآن را بر زندگی عصر خود تطبیق کرده و درمان مشکلات اجتماعی را در قرآن جست‌وجو می‌کند.
 ۳. به گرایش‌های فلسفی، مذهبی و سبک‌های ادبی و فقهی کمتر توجه شده و سعی مفسر بر آن است که عقاید را از قرآن بگیرد، نه اینکه قرآن را تابع عقاید سازد.
 ۴. به عقل و علوم تجربی قطعی در تفسیر قرآن اهمیت داده شده و از روش تفسیر عقلی و علمی استفاده شده است.
 ۵. دارای بیانی شیوا و ساده است تا تفسیر برای عموم مردم قابل استفاده باشد.
 ۶. به شبهات و اشکالات مخالفان نسبت به قرآن و اسلام توجه کرده و در پاسخ‌گویی به آن‌ها در تفسیر برآمده‌اند.
 ۷. مفسر در گرایش اجتماعی، روحیه‌ای اجتماع‌گرایانه دارد و آیات قرآن و احکام اسلامی را از زاویه فردی نمی‌بیند. (همان: ۳۴۹)

ویژگی‌های مذکور از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار قرآنی حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی است، ایشان در مقدمه تفسیر نمونه می‌نویسد:

هر عصری ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهایی دارد که از دگرگون شدن وضع زمان و پیدا شدن مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی سرچشمه می‌گیرد. همچنین هر عصری مشکلات و پیچیدگی‌ها و گرفتاری‌های مخصوص به خود دارد که آن نیز از دگرگونی اجتماعات و فرهنگ‌ها که لازمه تحول زندگی و گذشت زمان است، می‌باشد. افراد پیروز و

موفق آن‌هایی هستند که هم آن نیازها و تقاضاها را درک می‌کنند و هم این مشکلات و گرفتاری‌ها را درک می‌کنند که مجموع آن‌ها را «مسائل عصری» می‌توان نامید.» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۳)

۲. رویکرد علمی در تفسیر

از دیگر شاخصه‌های تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی، رویکرد علمی در تفسیر قرآن است. پژوهشگران عرصه علوم قرآنی معتقدند که این رویکرد از حدود قرن چهارم هجری شروع شد و در ابتدا، واکنشی به ترجمه علوم یونانی و ایرانی بود که وارد قلمرو فکری مسلمانان شده بود؛ سپس به صورت استخراج علوم از قرآن ادامه یافت. این شیوه تفسیری به علل مختلفی مانند اثبات اعجاز علمی قرآن و دفاع در برابر هجوم فرهنگی غرب، در یک‌صد سال اخیر گسترش زیادی یافت. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۲۸)

به‌طور کلی سه رویکرد که عبارت‌اند از: استخراج علوم از قرآن، تحمیل و تطبیق نظریه‌های علمی بر قرآن و استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن، نسبت به تفسیر علمی قرآن وجود دارد. رویکرد اول و دوم درست نیست و اکثر اشکالات مخالفان تفسیر علمی به همین دو قسم بازمی‌گردد؛ اما رویکرد سوم مورد تأیید اکثر پژوهشگران علوم قرآنی و مفسران بزرگ است. بر اساس همین رویکرد برخی از محققان، همچون دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی در آثار خود ضوابط تفسیر علمی را روشن کرده و شرایط تفسیر علمی صحیح را در قالب سه معیار استفاده از علوم قطعی در تفسیر علمی، روشن بودن دلالت آیه بر مطلب علمی و استفاده از گونه‌ی صحیح تفسیر علمی تبیین نموده است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۲۸)

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در تبیین شرایط و ضوابط تفسیر علمی تأکید دارد که در تفسیر علمی باید از علوم قطعی استفاده نمود، ایشان در این باره می‌نویسد:

گاهی هم مشاهده می‌شود که علم به میدان آمده و قرآن را تفسیر می‌کند، تأکید می‌کنم وقتی می‌گوییم علم، منظورم کشفیات ثابت شده و قطعی علمی است، نه فرضیات که اشکال کنند فرضیه‌ها با گذشت زمان، دست‌خوش تغییر و دگرگونی می‌شود و نمی‌توان قرآن ثابت و تغییرناپذیر را، بر فرضیات دگرگون شونده تطبیق داد؛ برای مثال: زوجیت نر و ماده، در عالم گیاهان که بعد از قرن هفده میلادی کشف شد و یا حرکت زمین به دور خود، دیگر یک

فرضیه نیست تا باگذشت زمان دگرگون شود. (مکارم شیرازی، مجله پیام قرآن، پیش شماره، ص ۴۸ به نقل از رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ش ۴۵: ۳۸)

شیوه تفسیر علمی آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی همان استخدام علوم در فهم، تفسیر و بیان اعجاز علمی قرآن است و در این راستا تلاش کرده تا از علوم قطعی در این راستا استفاده نموده و در موارد متعدد برای اثبات اعجاز علمی قرآن، از این شیوه استفاده کرده‌اند. از جمله مواردی که ایشان در تفسیر نمونه با استخدام علوم قطعی، به تبیین و تفسیر قرآن، همچنین اثبات اعجاز علمی قرآن پرداخته‌اند عبارت است از: تزیین آسمان با ستارگان، جایگاه و مسیر مشخص ستارگان، حرکت دورانی و جریانی خورشید، حرکت زمین، قانون جاذبه، آماده شدن زمین برای زراعت به وسیله باران، زوجیت در گیاهان، رستخیز انرژی‌ها، تشکیل تمام اجسام از اتم، زندگی اجتماعی زنبور عسل، آفرینش انسان از علق، شکل‌گیری، استخوان‌ها در جنین، رقیق تر بودن هوا در ارتفاعات، بریدگی میان رشته کوه‌ها. (رضایی اصفهانی، رضایی آدریانی، ۱۳۹۱، ش ۱۰: از ص ۸۹ تا ۱۱۶)

۳. رویکرد اجتهادی - عقلی در تفسیر

یکی دیگر از رویکردهای مهم تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی «رویکرد اجتهادی - عقلی» است که در آثار تفسیری ایشان از این روش زیاد بهره گرفته شده است. این روش تفسیری در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام زیاد به چشم می‌خورد. (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۱۳۸) تفسیر عقلی، گاهی به معنای استفاده ابزاری از برهان و قرائن قطعی عقلی در تفسیر آیات و استفاده از برهان‌ها در فهم بهتر آیات به کار می‌رود، گاهی نیز تفسیر عقلی به معنای استفاده از نیروی فکر در جمع‌بندی آیات و احادیث و فهم مقاصد آیات به کار می‌رود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۵۵ و ۱۵۶)

آیت‌الله مکارم شیرازی با اشاره به قسم اول می‌نویسد:

منظور از تفسیر به عقل آن است که ما از قرائن روشن عقلی که مورد قبول همه خردمندان، برای فهم معانی الفاظ و جمله‌ها از جمله قرآن و حدیث است، استمداد جوییم؛ مثلاً، هنگامی که گفته می‌شود: ﴿...يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...﴾ (فتح: ۱۰)؛ «دست خدا بالای

دست‌های آن‌هاست» عقل در اینجا می‌گوید مسلماً منظور از دست خدا عضو خاصی که دارای پنج انگشت است، نیست. زیرا خداوند اصولاً جسم نیست، هر جسمی محدود است و فناپذیر، خداوند نامحدود است و فناپذیر و ازلی و ابدی، بلکه منظور از آن قدرت خداست که مافوق همه قدرت‌هاست و اطلاق دست بر قدرت، جنبه کنایه دارد، زیرا معمولاً قدرت انسان از طریق دست او عملی می‌شود و در آن متمرکز است و یا هنگامی که صفت «سمیع» و «بصیر» (بینا و شنوا) بر خداوند اطلاق می‌شود، عقل می‌گوید: منظور این نیست که خدا دارای چشم و گوش است؛ همانند ما، بلکه منظور این است که او با علم وسیع و بی‌انتهایی خود از همه صداها با خبر و از همه مناظر آگاه و در همه جا حضور دارد. (مکارم شیرازی، بی‌تا: ۳۸ و ۳۹)

ایشان دیدگاه کسانی تفسیر به رأی را همان تفسیر به عقل می‌دانند، رد می‌کند و معتقد است که استفاده از قرائن عقلی در فهم آیات و روایات تفسیر به رأی نیست، بلکه تحمیل افکار علیل، پندارهای بی‌اساس و سلیقه‌های شخصی بر آیات و روایات مصداق تفسیر به رأی است. (همان، ص ۳۷)

۴. رویکرد تقریب در تفسیر

آیت‌الله مکارم شیرازی نسبت به تقریب و وحدت مذاهب اسلامی تأکید ویژه‌ای دارد. وحدت در اندیشه معظم‌له به معنای «تمرکز بر روی مشترکات و عدم اهانت به مقدسات دیگران است»؛ زیرا جنبه‌های اشتراکی از وجوه اختلافی بسیار بیشتر است. (www.isna.ir) ایشان همواره بر ضرورت تقریب در شرایط کنونی و آشفتگی جهان اسلام تأکید نموده و آن را امری دینی دانسته که با شروع بیداری اسلامی جنبه‌ای سیاسی نیز یافته است. (quranhadith92.blogfa.com)

ایشان در تفسیر نمونه بارها به اهمیت وحدت اسلامی تأکید نموده و در ذیل آیه چهارم سوره مبارکه صف وحدت را به سدی پولادین در برابر سیلاب ویرانگر دشمنان تشبیه نموده که پیروزی در برابر دشمنان جز از این طریق حاصل نمی‌شود و در تبیین این مطلب می‌نویسد: در یک بنا یا سد عظیم هر کدام از اجزاء نقشی دارند؛ ولی این نقش در صورتی مؤثر می‌شود که هیچ‌گونه فاصله و شکاف در میان آن‌ها نباشد و چنان متحد گردند که گویی یک



واحد بیش نیستند، همگی تبدیل به یکدست و یکمشت عظیم و محکم شوند که فرق دشمن را درهم می‌کوبد و متلاشی می‌کند، افسوس که این تعلیم بزرگ اسلام امروز فراموش شده و جامعه بزرگ اسلامی نه تنها شکل «بُنیانِ مَرُصُوصُ» ندارد، بلکه به صفوف پراکنده‌ای تبدیل گشته که در مقابل هم ایستاده‌اند و هر کدام هوایی در سر و هوسی در دل دارند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۶۵ و ۶۶)

آیت‌الله مکارم شیرازی از مباحثی که موجب تفرقه و ایجاد شکاف بین مسلمانان می‌شود، به شدت نهی نموده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۶۸) و هرگونه توهین و اهانت به مقدسات دیگران را حرام می‌داند. (tabnak.ir)

این رویکرد ایشان در مباحث تفسیری باعث رغبت مذاهب اهل سنت به تفسیر نمونه شده است. ایشان در مسائل اختلافی شیعه و اهل سنت با احترام کامل برخی از عقاید آن‌ها را نقد نموده است؛ به عنوان مثال در مباحث ولایت ذیل آیه ۵۵ سوره مائده، مفسر عقاید شیعی خود را مستدل و به‌دوراز تعصب ناروا، بیان می‌دارد، (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۴: ۴۲۱ و ۴۳۳) همچنین در بحث شفاعت ذیل آیه ۴۸ سوره بقره، بدون هیچ تعصبی پاسخ‌های مستدلی به شبهات وهابیان بر این مفهوم ارائه نموده و ضعف تفکر آن‌ها را آشکار نموده است. (همان، ج ۱: ۲۲۳ تا ۲۴۶)

۵. جواز استعمال لفظ در بیشتر از یک معنی

قاعده «استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا» یکی از مباحث مهم اصول فقه است که مورد توجه اصولیون متأخر قرار گرفته است و اختلاف نظر جدی در مورد جواز و عدم جواز آن بین دانشمندان اصول وجود دارد. (آخوند خراسانی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۲) از آنجاکه این قاعده در تفسیر برخی آیات قرآن نقش مؤثری دارد، آیت‌الله مکارم شیرازی موضع خویش را در مورد آن روشن ساخته و در تفسیر از آن استفاده کرده‌اند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۴۰ پاورقی)

بحث استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا در مورد «مشترک لفظی» است. مشترک لفظی به لفظی گفته می‌شود که برای چندمعنا به‌طور جداگانه وضع شده است؛ مانند لفظ «عین» که



برای هر یک از معانی چشم، چشمه، طلا به‌طور جداگانه وضع شده است. (مظفر، ۱۳۷۹: ۴۸؛

آخوند خراسانی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۵. مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۸؛ مشکینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۶)

اگر مشترک لفظی دارای معانی متعدد باشد و قرینه‌ای برای تعیین یکی از معانی وجود داشته باشد؛ حمل بر همان معنای واحد می‌شود. همچنین اگر قرینه‌ای بر حمل لفظ بر همه معانی متعدد وجود داشته باشد؛ حمل بر همه آن معانی می‌شود؛ اما اگر مشترک لفظی دارای معانی متعدد باشد و قرینه‌ای هم وجود نداشته باشد، این سؤال پیش می‌آید که آیا استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا جایز است یا نه؟ در این باره چهار دیدگاه وجود دارد:

۱. محال بودن استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا: ز جمله طرفداران این نظریه مرحوم آخوند خراسانی و محمدرضا مظفر است که معتقدند استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا مستلزم جمع بین دو لحاظ در لحظه واحد می‌شود و این محال است؛ به جهت آنکه حقیقت استعمال عبارت است از فنا شدن لفظ در معنا، یعنی لفظ آئینه و عنوان معنا شود. گویا لفظ خود معناست از طرفی روشن است که فنا شدن لفظ در یک معنا به‌صورت مستقل با فنا شدن در معنای دوم منافات دارد. (آخوند خراسانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۸۸؛ اصول الفقه، مظفر ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۲)

۲. جواز استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا.

۳. تفصیل بین مفرد و تثنیه و جمع، که در مورد مفرد محال و در مورد تثنیه و جمع جایز است.

۴. تفصیل بین نفی و اثبات، یعنی آنچه در حین نفی واقع می‌شود، جایز است؛ ولی در اثبات جایز نیست. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۰۲)

آیت‌الله مکارم شیرازی دیدگاه دوم را پذیرفته و معتقد است که استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا نه تنها جایز است؛ بلکه در موارد متعدد در کلام عرب و قرآن واقع شده است و نوعی لطافت در کاربرد را نشان می‌دهد. روایات زیادی که بر بطون قرآن دلالت دارد، نیز از موارد استعمال لفظ در معانی متعدد است. (همان) در ادامه به نمونه‌هایی از رویکرد تفسیری ایشان بر اساس جواز استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا اشاره می‌کنیم:

الف) نمونه اول

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (آل عمران: ۱۹)

مفسران در مورد واژه «اسلام» در این آیه مبارکه دو معنای لغوی «تسلیم» و معنای اصطلاحی «اسلام» را احتمال داده‌اند؛ به عنوان مثال ابوالفتوح رازی در تفسیر روض الجنان، (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۴: ۲۳۵) عبدالحسین طیب در تفسیر اطیب البیان (طیب، ۱۳۶۹، ج ۳: ۱۴۳) و محمدجواد مغنیه در تفسیر الکاشف (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲: ۲۷) ذیل این آیه معنای دین اسلام را برگزیده‌اند، در مقابل علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۳۹۰ ه.ق، ج ۳: ۱۲۰) و آیت‌الله طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۵۲) معنای لغوی تسلیم را برگزیده‌اند.

اما آیت‌الله مکارم شیرازی که معتقد به جواز استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا است، در ضمن روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام هر دو معنای لغوی «تسلیم» و معنای اصطلاحی «اسلام» را ذیل آیه جمع کرده است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۷۰ تا ۴۷۲)

ب) نمونه دوم

﴿...كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رُزِقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ...﴾ (بقره: ۲۵)

مفسران برای این جمله دیدگاه‌های مختلفی ذکر کرده‌اند:

۱. منظور این است که این نعمت‌ها به خاطر اعمالی است که ما قبلاً در دنیا انجام دادیم و زمینه آن از قبل فراهم شده است.

۲. هنگامی که میوه‌های بهشتی را برای دومین بار برای آن‌ها می‌آورند، می‌گویند: این همان میوه‌ای است که قبلاً خوردیم؛ ولی هنگامی که آن را می‌خورند، می‌بینند، طعم جدید و لذت تازه‌ای دارد.



۳. منظور این است که آن‌ها هنگامی که میوه‌های بهشتی را می‌بینند، آن را شبیه میوه‌های دنیا می‌یابند تا خاطره نامأنوسی نداشته باشد؛ اما به هنگامی که می‌خورند، طعم کاملاً تازه و عالی در آن احساس می‌کنند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۴۰)

آیت‌الله مکارم شیرازی بعد از نقل دیدگاه‌های فوق می‌نویسد:

هیچ مانعی ندارد که جمله بالا اشاره به همه این مفاهیم و تفاسیر باشد؛ چرا که الفاظ

قرآن گاه دارای چندین معنی است. (همان)

ایشان برای این ادعای خود می‌فرماید:

در بحث «استعمال لفظ در اکثر از معنی» ثابت کرده‌ایم که این امر به هیچ‌وجه اشکال

ندارد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۴۰ پاورقی)

ج) نمونه سوم

﴿وَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾ (انبیاء: ۳۰)

مفسران در تبیین و تفسیر ﴿كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا﴾ دیدگاه‌هایی را ارائه دادند که در تفسیر

نمونه به سه دیدگاه ذیل اشاره شده است:

۱. به هم‌پیوستگی آسمان و زمین اشاره به آغاز خلقت است که طبق نظرات دانشمندان، مجموعه این جهان به صورت توده واحد عظیمی از بخار سوزان بود که بر اثر انفجارات درونی و حرکت، تدریجاً تجزیه شد و کواکب و ستاره‌ها از جمله منظومه شمسی و کره زمین به وجود آمد و باز هم جهان در حال گسترش است.

۲. منظور از پیوستگی، یکنواخت بودن مواد جهان است؛ به طوری که همه درهم‌فرورفته بود و به صورت ماده واحدی خودنمایی می‌کرد؛ اما با گذشت زمان، مواد از هم جدا شدند و ترکیبات جدیدی پیدا کردند و انواع مختلف گیاهان و حیوانات و موجودات دیگر، در آسمان و زمین ظاهر شدند، موجوداتی که هر یک نظام مخصوص و آثار و خواص ویژه‌ای دارد و هر کدام نشانه‌ای از عظمت پروردگار و علم و قدرت بی‌پایانش است.

۳. منظور از به هم پیوستگی آسمان این است که در آغاز بارانی نمی‌بارید و به هم پیوستگی زمین این است که در آن زمان گیاهی نمی‌روید، اما خدا این هر دو را گشود، از آسمان باران نازل کرد و از زمین انواع گیاهان را رویانید. (ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ ج ۱۳: ۳۹۴ و ۳۹۵)

آیت‌الله مکارم شیرازی بعد از تبیین سه دیدگاه فوق می‌نویسد:

ما معتقدیم، هیچ مانعی ندارد که آیه فوق دارای هر سه تفسیر باشد که هر کدام در جای خود، صحیح و کامل است و بارها گفته‌ایم استعمال لفظ در بیش از یک معنی نه تنها ایراد ندارد؛ بلکه گاهی دلیل کمال فصاحت است. (همان، ۳۹۶)

آیت‌الله مکارم شیرازی بر اساس دیدگاه خود که «جواز استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا» است، معتقد است که منظور از بطن قرآن در روایات معانی عرضی است، ایشان در این باره می‌نویسد:

بارها گفته‌ایم، استعمال لفظ در بیش از یک معنی نه تنها ایراد ندارد؛ بلکه گاهی دلیل کمال فصاحت است و اینکه در روایات می‌خوانیم قرآن دارای بطون مختلفی است، نیز ممکن است اشاره به همین معنی باشد. (همان، ج ۱۳، ص: ۳۹۶)

۳. آراء تفسیری دکتر یوسف قرضاوی

الف) شخصیت شناسی دکتر یوسف قرضاوی

دکتر یوسف قرضاوی مفتی عربی مصری الاصل، رئیس و مؤسس اتحادیه جهانی علمای مسلمان است. او از علما و افراد سرشناس و از جمله تأثیرگذارترین افراد در سطح جهان اسلام شناخته می‌شود. قرضاوی یکی از اصلی‌ترین تئوریسین‌های جریان موسوم به الوسطیه و از تربیت‌شده‌های مدرسه حسن البنا و اخوان المسلمین است.

از محورهای پژوهشی قرضاوی می‌توان به کتاب‌های وی در زمینه‌های عقیدتی، فقهی، سیاسی، اقتصادی و ... اشاره کرد. قرضاوی جوایز علمی متعددی دریافت کرده که جایزه بانک توسعه اسلامی، جایزه ملک فیصل به علت مشارکت در مطالعات اسلامی، جایزه اعطایی ویژه علمی از رئیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی و جایزه فقه از سوی سلطان برونتی از جمله

آن‌ها است. (shakhsiatnegar.com) در ادامه قبل از بررسی آراء تفسیری دکتر یوسف قرضاوی به سه دوره از زندگی او و همچنین به برخی از آثار مکتوبش اشاره می‌کنیم:

دوره اول: تحصیل و فعالیت در مصر

قرضاوی در سال ۱۹۲۶ در روستای «صافات تراب» مصر در خانواده‌ای فقیر و دهقان متولد شد. وی در دو سالگی پدر خود را از دست داد و یتیم شد و پس از فوت پدرش نزد عموی خود بزرگ شد. او در سن ۹ سالگی توانست تمام قرآن را حفظ کند. قرضاوی پس از حفظ قرآن به موسسه مطالعات مذهبی در «طنطا» پیوست و به مدت ۱۰ سال در آنجا آموزش دید و پس از آن به الازهر رفت و در رشته الهیات به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۵۳ از آنجا فارغ‌التحصیل شد. او همچنین در سال ۱۹۵۸ موفق به دریافت دیپلم زبان و ادبیات عرب از سوی موسسه مطالعات عربی شد. وی در ادامه تحصیلات تکمیلی خود در گروه علوم قرآن و سنت دانشکده اصول‌الدین الازهر ثبت‌نام کرد و در سال ۱۹۶۰ با مدرک کارشناسی ارشد در مطالعات قرآنی فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۹۷۳ در همان دانشکده با رتبه برتر پیرامون مقوله «زکات و نقش آن در حل مشکلات اجتماعی» به مدرک دکترا نائل آمد. (vahabiat.porsemani.ir)

یوسف قرضاوی در مصر همزمان با تحصیل، مشغول سخنرانی و تدریس در مساجد نیز بود. در همین دوره سرپرستی مؤسسه‌ی ائمه وابسته به وزارت اوقاف مصر را بر عهده گرفت. پس از آن به منظور نظارت بر مطبوعات الازهر و کار در دفتر فنی اداره‌ی دعوت و ارشاد به اداره‌ی کل فرهنگ اسلامی الازهر پیوست. (<http://tazkerah.net>)

دوره دوم: فعالیت در قطر

دوره دوم زندگی یوسف قرضاوی مربوط به سال ۱۹۶۱ است که وارد قطر شد و به‌عنوان رئیس مؤسسه‌ی دینی متوسطه مشغول فعالیت شد و به توسعه و تثبیت آن همت گمارد. در سال ۱۹۷۳ دانشکده‌های تربیتی پسرانه و دخترانه در دانشگاه قطر تأسیس شد و قرضاوی برای راه‌اندازی بخش مطالعات اسلامی وارد آنجا شد. در سال ۱۹۷۷ دانشکده شریعت و

مطالعات اسلامی دانشگاه قطر تأسیس شد و قرضای ریاست آن را به عهده گرفت و تا پایان سال تحصیلی ۱۹۸۹-۱۹۹۰ در این سمت باقی ماند. وی همچنین به‌عنوان مدیر مؤسس مرکز مطالعات سنت و سیره‌ی نبوی دانشگاه قطر انتخاب شد که تا امروز هم، در این سمت است. از مهم‌ترین زمینه‌های فعالیت‌ی قرضای در این دوره می‌توان تألیفات علمی، دعوت و ارشاد، فقه و فتوا، اجلاس‌ها و سمینارها، مسافرت‌ها و سخنرانی‌ها، عضویت در شوراها و مؤسسات اقتصاد اسلامی، فعالیت‌های حرکتی و جهاد را نام برد. (shakhsiatnagar.com) دکتر یوسف قرضای در این دوره، از شخصیت‌های مهم حامی تقریب مذاهب اسلامی محسوب می‌شد. (<http://fa.alalam.ir>)

دوره سوم: تغییر موضع نسبت به تقریب مذاهب و محور مقاومت

دوره سوم از زندگی یوسف قرضای مربوط زمانی است که موضع خود را نسبت به تقریب بین مذاهب و محور مقاومت تغییر داد. او با وجود اینکه در غرب به‌عنوان یکی از تئوریسین‌های تروریسم شناخته می‌شود که کمک به گروه‌های اسلامی مبارز در نوار غزه از جمله اتهامات وی بود؛ اما در این دوره او با حزب‌الله لبنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های مبارز در برابر رژیم صهیونیستی، تنها به دلیل شیعه بودن به شدت در مبارزه است و حتی آن را حزب شیطان می‌خواند. وی در سال ۲۰۰۶ در پاسخ به سؤال محقق سعودی «عبدالله بن جبرین» در رابطه با کمک به حزب‌الله و پشتیبانی از این گروه مبارز لبنانی، صریحاً می‌گوید که حمایت از آن‌ها حرام است چراکه آن‌ها شیعه هستند. (vahabiat.porsemani.ir) قرضای در این دوره از تلاش خود در سال‌های گذشته برای تقریب مذاهب شیعه و سنی ابراز پیشمانی کرده و می‌گوید:

بعد از این عمر طولانی، سودی در تقریب مذاهب شیعه و سنی، به جز اینکه به زیان اهل سنت و به نفع شیعیان تمام شد، نیافتیم. اهل سنت سودی نمی‌برند؛ اما آن‌ها از ما سود می‌برند. (<http://fa.alalam.ir>)

ب) آراء تفسیری دکتر یوسف قرضاوی

ما در این پژوهش برای تبیین آراء تفسیری دکتر یوسف قرضاوی از کتاب «کیف نتعامل مع القرآن» استفاده نموده‌ایم که بیشتر مبانی و آرای تفسیر او در این اثر انعکاس یافته است. این کتاب به فارسی تحت عنوان «قرآن منشور زندگی» ترجمه شده است. موضوع این کتاب، چگونگی تعامل با قرآن در زمینه فهم و تفسیر قرآن و همچنین بیان اصول، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن است. از آنجاکه بررسی تمام آراء تفسیری یوسف قرضاوی در یک مقاله نمی‌گنجد و نیاز به تحقیق بیشتری دارد، ما در این پژوهش تنها بخشی از آراء تفسیری ایشان را آورده‌ایم.

۱. دیدگاه دکتر قرضاوی در تفسیر به رأی

یوسف قرضاوی در بخش سوم از کتاب قرآن منشور زندگی، تفسیر قرآن را به دو گونه‌ی «تفسیر به مآثور یا تفسیر به روایت» و «تفسیر به رأی یا تفسیر به درایت» تقسیم نموده و در تعریف تفسیر به مآثور می‌نویسد:

تفسیر به مآثور عبارت است از: تفسیر قرآن در چارچوب نقل روایات تفسیری از رسول خدا صلی الله علیه و سلم و صحابه و تابعین - که شاگردان صحابه بوده‌اند - و احياناً از اتباع تابعین که شاگردان تابعین بوده‌اند. (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۳۴۲)

قرضاوی از تفسیر ابن ابی حاتم و تفسیر ابن مردویه و بخش‌های از صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود و سنن ترمذی و سنن ابن ماجه و کتاب التفسیر نسائی و الدر المنثور فی التفسیر بالمآثور به‌عنوان تفسیر به مآثور یاد می‌کند. (همان) او معتقد است که منظور از «رأی» در «تفسیر به رأی» هر چیزی است که در مقابل نقل و روایت قرار گیرد. به همین جهت، آن را تفسیر به درایت در برابر تفسیر به روایت نامیده‌اند. ایشان در این باره می‌نویسد:

رأی عبارت است از اجتهاد و به‌کارگیری خرد و اندیشه در راستای فهم قرآن کریم در پرتو آشنایی با زبان عربی و در چارچوب وسایل و شروط علمی و اخلاقی که مفسر بایستی از آن‌ها برخوردار باشد. (همان، ص ۳۴۴)

۲. راهکارهای دکتر یوسف قرضاوی برای فهم قرآن

دکتر قرضاوی فصل دوم از بخش سوم کتاب «قرآن منشور زندگی» را به روش‌ها و راهکارهای فهم و تفسیر قرآن اختصاص داده است. او در ابتدای این فصل با طرح این سؤال که بهترین و استوارترین راه و روش برای تفسیر قرآن که بایستی آن را برگزید کدام است؟ می‌نویسد:

بهترین و علمی‌ترین روش در تفسیر قرآن آن است که بر پایه اصول و مبانی محکم و قواعد علمی استوار باشد و مسیری مشخص با راهکارهای سنجیده و معین و ضوابط روشن داشته باشد که التزام به آن‌ها و رعایت آن‌ها بر شخص مفسر فرض گردد تا هدف از تفسیر قرآن برای او واضح شود و راه تفسیر قرآن برای او هموار گردد. (همان، ۳۵۹)

در ادامه به شش راهکار ایشان اشاره می‌کنیم:

الف) جمع میان روایت و درایت

دکتر یوسف قرضاوی برای فهم و تفسیر قرآن روش‌ها و راهکارهایی را ارائه می‌دهد که نخستین راهکار ایشان «ایجاد هماهنگی و سازگاری میان روایت و درایت» است. قرضاوی معتقد است برخی از مفسران به روایت و اثر می‌پردازند و بعضی دیگر به درایت و اندیشه روی می‌آورند؛ اما بهترین و استوارترین روش آن است که آن دو را با یکدیگر درآمیزد و منقولات صحیح را با معقولات صریح در کنار هم قرار دهد و میراث گذشتگان و معارف معاصران را با هم جمع کند. از جمله مفسرانی که از این شیوه پیروی نموده ابن جریر طبری در «جامع البیان عن تأویل القرآن» است. قرضاوی درباره این تفسیر می‌گوید:

بعضی از تفسیرشناسان به هنگام نام بردن از تفاسیر روایی یا مأثور از تفسیر طبری اسم برده‌اند. حقیقت این است که این داوری دادگرانه نیست و نشانه فقدان شناخت درست از ابن جریر طبری و تفسیر او است؛ زیرا، هرکس تفسیر او را مطالعه نماید، متوجه می‌شود که ذیل هریک از آیات قرآن، روایت‌ها و اقوال مختلف را نقل می‌کند و پس از آن به تحلیل و بررسی آن‌ها می‌پردازد و بعد از آن صحیح‌ترین و درست‌ترین آن‌ها را مشخص می‌کند، یا خود او در مورد آن آیه اظهار نظر می‌نماید. (همان: ۳۵۹ و ۳۶۰)

ب) تفسیر قرآن به قرآن

دومین راهکار فهم و تفسیر قرآن از دیدگاه یوسف قرضاوی «تفسیر قرآن به قرآن» است. ایشان در ضرورت به‌کارگیری این روش می‌نویسد:

مطلبی که به‌صورت کلی و مجمل در جایی گفته شده، در جایی دیگر به تفصیل بیان شده و موضوعی که در موردی به‌صورت مبهم به آن اشاره شده، در مورد دیگر ابهامش برطرف گردیده و مطلبی که در آیه‌ای به‌طور مطلق بیان شده، در آیه‌ای دیگر مقید گردیده و موضوعی که در سیاق و ساختاری از کلام خدا به‌صورت عام آمده، در سیاق و ساختاری دیگر تخصیص زده شده است. به همین خاطر، در جهت فهم و معرفت متکامل قرآن و معلوم شدن هدف و مقصد آیات قرآنی، در کنار یکدیگر قرار دادن آیات و نصوص قرآنی ضرورت خواهد داشت. (همان، ص: ۳۶۴)

دکتر قرضاوی معتقد است که اولین کسی که این روش را در پیش گرفت رسول خدا ﷺ بود که ظلم را به شرک تفسیر کرد. (همان) هنگامی که برخی از صحابه این آیه از سوره انعام را شنیدند که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ﴾ (انعام: ۸۲) دچار دلهره و نگرانی شدند، به رسول خدا ﷺ گفتند: یا رسول الله، کدامین از ماست که بر خود ستم نکرده باشد! رسول خدا ﷺ فرمود: آن گونه که شما گمان می‌کنید، نیست؛ مقصود از «ظلم» در این آیه، شریک قرار دادن برای خداوند است؛ مگر آن کلام بنده صالح خدا را نخوانده‌اید که گفته است: ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان: ۱۳)؛ «به‌راستی شریک قائل شدن برای خداوند ستم بزرگی است.» (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۳۶۴)

یوسف قرضاوی قاعده، حمل مطلق بر مقید، عام بر خاص قاعده مقدم داشتن منطوق بر مفهوم را از جمله موارد تفسیر قرآن به قرآن، می‌داند. (همان، ص: ۳۶۹ و ۳۷۰)

ج) تفسیر قرآن با سنت صحیح

قرضاوی معتقد است که برای تفسیر قرآن پیش از هر چیز خود به قرآن باید متوسل شد؛ چنانچه تفسیر قرآن در خود قرآن موجود نبود، به سنت بایستی متوسل گردید. ایشان از قول ابن تیمیه می‌نویسد:

درست‌ترین روش تفسیر آن است که قرآن به وسیله قرآن تفسیر بشود. مطلبی که در جایی از قرآن به طور مجمل بیان شده است، جایی دیگر به صورت مبین بیان شده و موضوعی که در جایی به اختصار گفته شده، جایی دیگر به تفصیل توضیح داده شده است؛ چنانچه از عهده تفسیر قرآن با خود قرآن برنیامد، به سنت رسول خدا ﷺ متوسل شوید؛ زیرا سنت شارح و روشنگر قرآن است. حتی امام شافعی فرموده است: همه آن اموری را که رسول خدا ﷺ به آن حکم کرده، آن‌ها را از قرآن فهمیده و آموخته است. (ابن تیمیة الحرائی،: ۱۹۸۰، م، ۸)

د) بهره‌گیری از آراء صحابه و تابعین

از دیگر راهکارهای یوسف قرضاوی برای فهم قرآن بهره‌گیری از آراء صحابه و تابعین در تفسیر قرآن است. از نظر ایشان چنانچه از آراء صحابه و تابعین اطمینان حاصل گردد، باید آن را پذیرفت؛ زیرا صحابه و تابعین از امتیاز و برتری مشاهده اسباب نزول و قراین و اوضاع و احوال همراه با نزول قرآن برخوردار بوده‌اند. دکتر قرضاوی در این باره می‌نویسد:

صحابه و تابعین چیزهایی را دیده و شنیده‌اند که دیگران هرگز نتوانسته‌اند ببینند و بشنوند. از طرف دیگر، صحابه و تابعین به موجب اصالت و نژاد در فهم و درک فطری زبان عربی و سلامت فطرت و قوت ایمان و یقین، از جایگاه اصیل و بلندی برخوردار بوده‌اند. (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۳۷۷)

قرضاوی معتقد است که اگر صحابه و تابعین در مورد تفسیر آیه‌ای اتفاق نظر داشته باشند، بیانگر آن است که اجماع ایشان ریشه در سنت رسول خدا ﷺ دارد، هرچند که به صراحت آن را بیان ننموده باشند؛ اما اگر در مورد تفسیر آیه‌ای اختلاف نظر داشته باشند، این مجال و فرصت را به ما داده‌اند که از میان اقوال و آراء ایشان هریک را که به صحت و صواب نزدیک‌تر می‌یابیم، برگزینیم یا اینکه به برداشت‌ها و دریافت‌های ایشان برداشت و دریافت‌های دیگری را اضافه نماییم؛ زیرا اختلاف نظر صحابه، این حقیقت را برای ما روشن می‌نماید که ایشان در این موارد بر اساس رأی و اجتهاد خود، قرآن را تفسیر نموده‌اند. (همان)

ه) رعایت سیاق و ساختار کلام

دکتر قرضاوی رعایت سیاق و ساختار کلام را از ضوابط مهم در راستای فهم قرآن و تفسیر صحیح آن، می‌داند و در تعریف سیاق می‌گوید:

منظور از سیاق، جملات و کلمات قبل و بعد از آن است. (همان: ۳۹۳)

ایشان معتقد است که گاهی در قرآن یک کلمه یا ترکیب برای معانی مختلفی بکار برده می‌شود و مقصود و معنای موردنظر در هریک از آن‌ها را سیاق و ساختار کلام تعیین می‌نماید. رعایت این نکته ضروری است و هرگز نباید آیه از جایگاهی که در آن قرار گرفته است، جدا گردد و از ماقبل و مابعد آن منقطع شود، ارتباطش با عبارات و جملات پس‌وپیش آن قطع شود تا معنا و حکم خاصی را که موردنظر شخص معینی است، برساند. (همان، ص: ۳۸۹)

همچنین گاهی کلمه‌ای در قرآن برای معانی مختلف بکار می‌رود که سیاق و ساختار کلام معنای آن را مشخص می‌کند. گاهی نیز یک مفهوم با الفاظ متعددی در قرآن بیان می‌شود، این موضوع از باب «ترادف» نیست؛ چنانکه برخی از اهل لغت در مورد آن مناقشه می‌نمایند و بر این باورند که الفاظی که گمان می‌رود با هم مترادف‌اند و یک معنی را بیان می‌نمایند، وقتی به‌درستی به آن‌ها نگریسته شود، آن‌گونه نیستند؛ مانند: «قعد»، «جلس»، یا «سَر»، «فرح» و امثال اینها. (همان، ص: ۴۰۶)

و) اهتمام به اسباب نزول

یوسف قرضاوی معتقد است که قرآن به دو صورت نازل گردیده است؛ بخشی از قرآن ابتدا و بدون مقدمه نازل شده است که بیشتر آیات قرآن این گونه‌اند و بخشی دیگر از آن به دنبال واقعه‌ای یا سؤالی در طول بیست‌وسه سال نزول وحی، نازل گردیده‌اند. (همان، ص: ۴۰۹)

برای فهم بخش دوم از آیات قرآن، آگاهی از اوضاع و احوال پیرامون متن آیات لازم است، به این نکته هم باید توجه داشت که هرچند قرضاوی بر ضرورت اهتمام به اسباب نزول خاص تأکید می‌کند؛ اما در این باره دیدگاه معتدلی دارد که می‌گوید:

اهتمام به اسباب نزول به این معنی نیست که همچون عده‌ای از معاصرین در این مورد راه افراط و مبالغه را در پیش بگیریم؛ کسانی که الفاظ عام قرآن را به اسباب نزول خاص

آن‌ها در عصر رسول خدا ﷺ محدود و منحصر می‌نمایند؛ راه و روشی که به‌هیچ‌وجه قابل قبول و پسندیده نیست و هیچ انسان عالم و عاقل مسلمانی مطلقاً چنین چیزی را نمی‌گوید؛ زیرا، با عمومیت و فراگیری قرآن در هر زمان و مکان، منافات دارد. (همان، ص: ۴۱۵)

۳. دیدگاه دکتر قرضاوی در تفسیر علمی

از دیگر مباحث مهم تفسیری که یوسف قرضاوی به آن پرداخته، بحث تفسیر علمی است. ایشان در تعریف تفسیر علمی می‌نویسد:

تفسیری علمی آن است که در آن از مسلمات و نظریات علوم تجربی جدید برای بیان مقاصد توضیح معانی قرآن استفاده می‌شود. منظور از علوم تجربی، ستاره‌شناسی، زمین‌شناسی (ژئولوژی)، زیست‌شناسی (بیولوژی) گیاهان و جانوران، علوم پزشکی، کالبدشکافی، فیزیولوژی، علوم ریاضی و امثال آن‌هاست. گاه شامل برخی از علوم انسانی و اجتماعی مانند روانشناسی و جامعه‌شناسی و اقتصاد و جغرافیا و غیره نیز می‌گردد. (همان، ص: ۶۰۳)

قرضاوی در تبیین دیدگاه خود درباره تفسیر علمی قرآن کریم به سه رویکرد مخالف، موافق و معتدل اشاره می‌کند:

الف: رویکرد مخالف: طرفداران این رویکرد داخل نمودن مسائل علوم زیستی و تجربی را در تفسیر قرآن مطلقاً مردود می‌شمارند، به این دلیل که قرآن نباید در معرض تغییرات ناشی از نتایج آن علوم قرار گیرد. (همان: ۶۰۴ تا ۶۱۰، ۶۱۷)

ب. رویکرد موافق: گروهی هستند که در استناد به دستاوردهای علوم بشری در حوزه تفسیر قرآن راه افراط در پیش گرفته‌اند و برای نشان دادن اینکه قرآن کریم همه معارف و علوم را شامل می‌شود و بر همه تئوری‌ها و حقایق علمی پیشی گرفته است، خود را دچار تکلف نموده‌اند. (همان، ص ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۷)

ج. رویکرد معتدل: این رویکرد نه در راستای نفی موضوع، راه مبالغه در پیش می‌گیرد و نه در مقام اثبات آن، دچار غلو و افراط می‌شود. (همان، ص ۶۱۸)

دکتر قرضاوی که رویکرد معتدل را در تفسیر علمی می‌پذیرد و آن را صحیح می‌داند، سه مبنا برای آن ذکر می‌کند: اولین مبنا در رویکرد معتدل این است که کسانی که در عصر حاضر می‌خواهند قرآن را تفسیر نمایند، بایستی به شناخت مبادی و مقدمات علوم طبیعی و زیستی

آگاه باشند. مبنای دوم در تفسیر علمی پذیرش برداشت‌های مفسران دانشمند است. دکتر قرضای معتقد است که هرگز نباید دانشمندان علوم طبیعی و زیستی را که آیات قرآن را با توجه به دانش و تخصص و تحصیلات خود به‌گونه‌ای معنی می‌نمایند که دانشمندان علوم دینی یا بزرگان حوزه کلام و فقه و بلاغت متوجه آن نشده‌اند، مورد ملامت قرار بدهیم. برای مثال، یک متخصص زمین‌شناسی (ژئولوژی) از این فرموده خداوند که می‌فرماید: ﴿وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا﴾ (نبا: ۷) معانی و مفاهیمی را درمی‌یابد که دیگران متوجه آن‌ها نمی‌شوند. (قرضای، ۱۳۸۲: ۶۲۱)

سومین مبنا در تفسیر علمی از دیدگاه دکتر قرضای رعایت شروط تفسیر علمی است؛ بر این اساس در تفسیر قرآن، باید از دستاوردهای علمی ثابت و مورد اطمینان در نزد متخصصین آن علوم که به‌صورت حقایقی علمی درآمده‌اند، استفاده نمود و بر آن‌ها اعتماد کرد و از فرضیه‌ها و تئوری‌هایی که هنوز ارکان آن‌ها استوار نشده است، پرهیز نمود. (همان، ص: ۶۲۳)

همچنین از شروط تفسیر علمی این است که به هنگام حمل آیات و مضامین قرآنی بر معنی، به توجیهاات و تکلفات گوناگون متوسل نشویم؛ بلکه مفهومی را برای آیه در نظر بگیریم که با دلالت‌های زبانی سازگاری داشته باشد و متن کلام آن معنی را بپذیرد و مهم‌تر از آن، سیاق و ساختار آیه، معنای مورد نظر را تقویت و تأیید کنند. (همان، ص: ۶۲۳)

قرضای معتقد است که تفسیر علمی نباید به‌گونه‌ای باشد که امت اسلامی، اعم از صحابه و تابعین و اتباع تابعین و پیشگامان علوم و معارف شریعت را در طول تاریخ اسلام، به نفهمیدن قرآن متهم نماید و این ذهنیت ایجاد شود که تنها فلان دانشمند توانسته است آنچه را که دیگران در گذشته در مورد کتاب خداوند نمی‌دانسته‌اند، کشف نماید. زیرا، لازمه چنین چیزی این خواهد بود که خداوند کتابی را بر مردم نازل فرموده باشد که آن را به‌درستی درک نمی‌کرده‌اند و از معانی و مقاصد آن بی‌اطلاع بوده‌اند؛ درحالی‌که خداوند متعال در توصیف آن تعبیراتی همچون «کتاب مبین» و «نور» و «هدی للناس» را بیان فرموده است؛ به همین خاطر، باید در این نوع از تفسیر، مواردی را بپذیریم که مطالبی را بر مسائل مورد توجه و عنایت

گذشتگان اضافه نموده باشد، نه اینکه علم و استنباط آنان را یکسره بی‌اثر گرداند. (همان: ۶۲۵)

جمع‌بندی و نتیجه

اشتراکات آراء دو مفسر

با توجه با آراء تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی و دکتر یوسف قرضاوی می‌توان گفت رویکرد اجتماعی و علمی در تفسیر از جمله اشتراکات دو مفسر در مباحث قرآنی و تفسیری است. همچنین در مباحث علمی قرآن، هر دو مفسر تأکید دارند که تفسیر علمی باید با مطالب قطعی علوم صورت گیرد و با ظاهر آیات قرآن، طبق معنای لغوی و اصطلاحی، موافق باشد. همچنین راهکارها و روش‌های تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن با سنت صحیح که از پیامبر ﷺ نقل شده است، رعایت سیاق و ساختار کلام، اهتمام به اسباب از جمله دیدگاه‌های مشترک دو مفسر است.

تفاوت‌های آراء دو مفسر

الف. رویکرد تقریب در تفسیر

رویکرد تقریب در تفسیر، از جمله مهم‌ترین مبانی تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی است و همواره بر ضرورت تقریب در شرایط کنونی و آشفته جهان اسلام تأکید نموده و آن را امری دینی می‌داند و در مباحث تفسیری، در مسائل اختلافی شیعه و اهل سنت با احترام کامل برخی از عقاید آن‌ها را نقد نموده است.

اما در تبیین دوره سوم از زندگی یوسف قرضاوی اشاره شد که او موضع خود را نسبت به تقریب بین مذاهب و محور مقاومت تغییر داد و با حزب‌الله لبنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های مبارز در برابر رژیم صهیونیستی، تنها به دلیل شیعه بودن، به شدت در مبارزه است و حتی آن را حزب شیطان می‌خواند و از تلاش خود در سال‌های گذشته برای تقریب مذاهب شیعه و سنی ابراز پشیمانی کرده و معتقد است که سودی در تقریب مذاهب شیعه و سنی، به

جز اینکه به زیان اهل سنت و به نفع شیعیان باشد نیست. این رویکرد ایشان در مقالات و مباحث تفسیری نیز به چشم می‌خورد.

ب. آراء صحابه و تفسیر علمی

یوسف قرضاوی معتقد است که تفسیر روایی شامل روایات صحابه و تابعین نیز می‌شود و برای فهم قرآن باید از آراء صحابه و تابعین بهره گرفت از نظر ایشان چنانچه از آراء صحابه و تابعین اطمینان حاصل گردد، باید آن را پذیرفت.

اما دانشمندان و علماء شیعه معتقدند آراء و اقوال صحابه به‌عنوان قول لغوی، راوی شأن نزول و راوی قول، فعل یا تقریر پیامبر ﷺ، با شرایط خاص خود، پذیرفته می‌شود، اما نظرات اجتهادی صحابه و تابعان در تفسیر، برای ما حجت نیست زیرا دلیلی از قرآن، سنت پیامبر ﷺ یا عقل، برای اعتبار آن‌ها در دست نداریم.

در مورد تفسیر علمی نیز قرضاوی معتقد بود که تفسیر علمی نباید به‌گونه‌ای باشد که صحابه و تابعین و اتباع تابعین و پیشگامان علوم و معارف شریعت را در طول تاریخ اسلام، به نفهمیدن قرآن متهم نماید و این ذهنیت ایجاد شود که تنها فلان دانشمند توانسته است آنچه را که دیگران در گذشته در مورد کتاب خداوند نمی‌دانسته‌اند، کشف نماید.

این دیدگاه یوسف قرضاوی نیز با آراء آیت‌الله مکارم شیرازی و سایر مفسران شیعه تفاوت دارد؛ زیرا همچنان که گفته شد، نظرات اجتهادی صحابه و تابعان در تفسیر، برای ما حجت نیست و دلیلی برای اثبات حجیت دیدگاه‌های اجتهادی صحابه و تابعان در تفسیر وجود ندارد؛ بنابراین، اگر مفسری در عصر حاضر با مبانی و قواعد صحیح به تفسیر علمی قرآن بپردازد و برداشت‌های جدیدی از آیات قرآن داشته باشد، اگر برداشت‌های او مخالف با ظاهر قرآن، روایات معصومان علیهم‌السلام و عقل سلیم نباشد، مورد پذیرش است؛ اگرچه این برداشت‌ها مخالف آراء صحابه و تابعان باشد.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغة.
- ابن تیمیة الحرانی (۱۹۸۰ م)، مقدمة فی أصول التفسیر مکتبة الحياة، بیروت.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
- ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ازهری، محمد بن احمد (بی تا)، تهذیب اللغة، ج ۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ایازی، سید محمد علی (۱۳۷۳)، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ج ۱، وزارت ارشاد، تهران.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۳۷۵)، کفایة الاصول، مجمع الفکر الاسلامی، قم.
- آذرنوش آذرتاش (۱۳۸۲)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، ج ۲، نشر نی، تهران.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق)، تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۱، دار العلم للملایین بیروت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، ج ۱ مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۲، دانشگاه تهران، تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، دارالقلم، بیروت.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۵)، «روش برداشت علمی از قرآن» پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۵.



- _____ ابراهیم رضایی آدریانی (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، بررسی
چهارده اعجاز علمی قرآن در تفسیر نمونه، مجله قرآن و علم، ش ۱۰.
- _____ (۱۳۸۷)، منطق تفسیر قرآن، ج ۱، چ ۱، جامعه المصطفی علیه السلام
العالمیه، قم.
- _____ (۱۳۸۷)، منطق تفسیر قرآن، ج ۲، چ ۱، جامعه المصطفی علیه السلام
العالمیه، قم.
- طالقانی، محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، ج ۴، شرکت سهامی انتشار تهران.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، مؤسسه الأعلمی
للمطبوعات بیروت.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، اسلام، تهران.
- علوی مهر، حسین (۱۳۸۱)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ج ۱، اسوه، قم.
- قرضاوی، یوسف (۱۳۸۲)، قرآن منشور زندگی، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، چ ۱،
احسان، تهران.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲)، دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۳، بوستان
کتاب، قم.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۷۹)، اصطلاحات الاصول، نشر الهادی، قم.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، دار الکتب
العلمیه، بیروت.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵)، اصول الفقه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
- _____ (۱۳۷۹) المنطق، دارالعلم، قم.
- معین، محمد، فرهنگ معین (۱۳۸۸)، ج ۲۶، امیرکبیر، تهران.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق)، التفسیر الکاشف، ج ۱، دارالکتاب الإسلامی قم.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱، دارالکتب الإسلامیة، تهران.

- _____ (بی تا)، تفسیر بر رأی و هرج و مرج ادبی، نسل جوان، قم.

- _____ (۱۳۹۰)، رساله احکام جوانان (پسران)، تنظیم: مسعود مکارم، ج ۲۳، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم.

- مؤدب، سید رضا و مجتبی روحانی زاده (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، مبانی تفسیر اجتماعی قرآن کریم، مجله تخصصی قرآن و علم، سال هفتم، شماره ۱۲.

سایت‌ها:

- <http://makarem.ir:main.aspx?lid=0&typeinfo=22&catid=30399>.
- <http://makarem.ir:main.aspx?lid=0&typeinfo=22&catid=30407>.
- <http://www.isna.ir:fa:news:93101709425>.
- http://quranhadith92.blogfa.com:post:145#_ftn17.
- <http://shakhsiatnegar.com:%DB%8C%D9%88%D8>.
- <http://www.vahabiat.porsemani.ir:content:%D8%>.
- <http://tazkerah.net:index.php:articles:mashahir:moaser:116-yusef->.
- <http://fa.alalam.ir:news:1782834>.
- <http://www.vahabiat.porsemani.ir:content>.
- <http://fa.alalam.ir:news:1782834>.
- <http://www.qaradawi.net:new:Books-213>.
- <http://www.tabnak.ir:fa:print:371859>.

